

پذیرش‌ها و ترفیعات جدید در هیئت علمی پژوهشگاه

در بهار سال ۱۳۹۲ تغییراتی در کادر علمی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی صورت گرفت. در پژوهشکده فلسفه تحلیلی، سید نصرالله موسویان به عضویت هیئت علمی پذیرفته شد، محمود مروارید از پسادکتری به عضویت هیئت علمی ارتقا یافت، و امیر صائمی نیز به عنوان پژوهشگر پسادکتری شروع به کار کرد. در پژوهشکده ذرات و شتابگرها نیز امیر اسماعیل مصفا به عضویت هیئت علمی پذیرفته شد. در این صفحات با پیشینه تحصیلی و علائق پژوهشی این همکاران آشنا می‌شوید.

• پژوهشکده فلسفه تحلیلی

منتشر کرد. صائمی از بهار ۱۳۹۲ به عنوان پژوهشگر پسادکتری در پژوهشکده فلسفه تحلیلی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی مشغول کار شده و درس مبانی فلسفه اخلاق را برای دانشجویان دکتری پژوهشگاه علوم بنیادی ارائه کرده است. وی در پاییز ۹۲ به تدریس درباره فلسفه ذهن خواهد پرداخت.

صائمی پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را در زمینه فلسفه ذهن نوشت ولی برای رساله دکتری خود به سراغ فلسفه عمل، که در واقع محل تلاقی فلسفه ذهن و فلسفه اخلاق است رفت، و رساله خود را در باب ماهیت دلایل عملی نگاشت. سؤال ابتدایی رساله این است که چرا وقتی یک فرد عاقل دلایلی برای انجام کاری یا پذیرش باوری دارد می‌کوشد با انجام دادن آن کار یا پذیرش آن باور پاسخ مناسبی به دلایلش بدهد. براساس نظر گروهی از فلاسفه، مفهوم دلیل از جمله پایه‌ای ترین مفاهیم هنجاری است و دیگر مفاهیم هنجاری، از جمله مفهوم عقلانیت، باید برحسب مفهوم دلیل فهمیده شود. به این ترتیب، فرد عاقل کسی است که به دلایلی که دارد پاسخ مناسبی می‌دهد و عدم عقلانیت، ناشی از پاسخ مناسب ندادن به دلایل است. حال سؤال این است که چرا باید فرد به دلایلش پاسخ مناسبی دهد. مثلاً، تصور کنید که فردی دلایل قاطعی دارد که باوری را اختیار کند و یا کاری را انجام دهد. چرا باید این کار را بکند؟ فرض کنید که فرد آن کار را انجام ندهد یا آن باور را اختیار نکند. به نظر می‌رسد که در این صورت قوه شناختی یا عملی فرد دارای نقصی است، اما چه نقصی؟ جواب طبیعی این سؤال این است



امیر صائمی

امیر صائمی، متولد ۱۳۵۹ در تهران، پیش از روی آوردن به فلسفه، در رشته مهندسی برق (مخابرات) تحصیل کرده و مدرک دکتری خود را در مخابرات سیستم از یکی از شعب پژوهشی مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (CNRS) واقع در دانشگاه لیموژ گرفته است. وی صاحب مقالات متعددی در نشریات معتبر مهندسی برق است. صائمی پس از اخذ مدرک دکتری مهندسی برق، به آمریکا رفت و ابتدا دوره کارشناسی ارشد و سپس در سال ۱۳۹۲ دوره دکتری فلسفه تحلیلی خود را در دانشگاه کالیفرنیا، سانتا باربارا، به اتمام رساند. در این مدت، یک مقاله پژوهشی در مورد ربط نسبت قصد و مشروعیت

مرورید تاکنون سه مقاله در نشریات فلسفی انگلیسی زبان پذیرفته یا منتشر شده است (دو مقاله در مجلات فلسفی، و یک مقاله به عنوان فصلی از یک کتاب). مرورید در بهار امسال به عضویت هیئت علمی ارتقا یافت.

موضوع رساله دکتری مرورید یکی از نقاط تلاقی معرفت‌شناسی و فلسفه ذهن است. برون‌گرایی در محتوا (content externalism) دیدگاهی است دربارهٔ تشخیص محتوای حالات ذهنی که مطابق آن، چیستی محتوای بسیاری از حالات ذهنی شخص وابسته به شرایط محیطی اوست. این دیدگاه طی سه دهه گذشته به دیدگاه کلاسیک تبدیل شده و تأثیرات مختلفی در مباحث گوناگون فلسفی برجای نهاده است. یکی از مسائلی که پیرامون برون‌گرایی در محتوا پدید آمده این است که آیا برون‌گرایی با آموزه دسترسی ویژه (the privileged access thesis) سازگار است یا نه. مطابق آموزه دسترسی ویژه، ما می‌توانیم به صورت پیشینی و بدون نیاز به تجربه محیط بدانیم که محتوای حالات ذهنی مان چیست. مرورید در رساله دکتری‌اش به بررسی برهان‌های مختلفی می‌پردازد که برای نشان دادن ناسازگاری برون‌گرایی در محتوا و آموزه دسترسی ویژه طراحی شده‌اند، و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تنها تقریر رادیکال از برون‌گرایی با آموزه دسترسی ویژه ناسازگار است. نتیجه دیگری که از خلال این مباحث به دست می‌آید این است که نظریات معرفت‌شناختی نمی‌تواند مستقل از دیدگاه‌هایی مطرح شود که دربارهٔ تشخیص محتوای حالات ذهنی وجود دارد.

یکی از علائق پژوهشی مرورید بازخوانی، پالایش، و توسعه سنت علوم عقلی اسلامی با کمک ابزارها و چارچوب‌های مفهومی فلسفه تحلیلی است. بسیاری از بخش‌های سنت فکری اسلامی (فلسفه، کلام، اصول فقه و ...) قرابت ذاتی با فلسفه تحلیلی دارند زیرا در این سنت، تکیه‌گاه اصلی مباحث، شیوه استدلال عقلی و منطقی است، و فلسفه تحلیلی نیز چیزی نیست جز تدقیق، تکمیل، و توسعه همین شیوه تفلسف؛ به ویژه اینکه در دو قرن اخیر، اصولیان شیعه با مسائلی سروکار داشته‌اند که می‌توان مشابه آن را در رشته‌هایی چون فلسفه زبان، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق مشاهده کرد. از این رو، به گمان مرورید گستره فراخی برای تعامل این دو حوزه تفکر وجود دارد. وی در همین راستا مقالاتی را در نشریات فارسی زبان منتشر کرده است، و پروژه‌ای را نیز با عنوان «فلسفه زبان و علم اصول» هدایت می‌کند.

سید نصرالله موسویان

سید نصرالله موسویان، متولد ۱۳۵۴ در تهران، تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی مهندسی برق (گرایش قدرت) در دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ و در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه (گرایش منطق) در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۱ به اتمام رساند. وی هم‌زمان بخشی از علوم اسلامی را در حوزه علمیه مروی و نزد بعضی از نزدیکانش فراگرفت. سپس تحصیلاتش را در مقطع دکتری در دانشگاه آلبرتای کانادا در فلسفه تحلیلی ادامه داد و در

که فرد مزبور به خاطر عمل نکردن به چیزی که برایش دلایل قاطعی داشته است فردی غیرعقلانی شده است. اما اگر عقلانیت را صرفاً بر مبنای دلیل بفهمیم این پاسخ دوری خواهد بود و هیچ ارزش تبیینی نخواهد داشت، و بنابراین سؤال نخست ما بی‌پاسخ خواهد ماند. رساله صائمی می‌کوشد تا پاسخ متفاوتی دربارهٔ نسبت عقلانیت و دلیل ارائه کند، و پیشنهاد رساله این است که مفهوم عقلانیت باید مقدم بر مفهوم دلیل فهمیده شود. صائمی برای شرح و دفاع از این نظر، بخش‌هایی از تز خود را به مطالعه در باب مفهوم عمل اختصاص داده و کوشیده است بر مبنای سنت نوارسطویی فقهی تازه از مفهوم عمل ارائه کند.

صائمی در دانشگاه کالیفرنیا دروس متعددی را در فلسفه تحلیلی گذرانده است. همچنین وی در طول پنج سال آخر تحصیل خود به عنوان مدرس یا کمک مدرس، اکثر دروس دانشگاه در مقطع کارشناسی را تدریس کرده است. صائمی به خاطر پیشینه علمی‌اش در المپیاد فیزیک و مهندسی برق هنوز علاقه‌مند به فیزیک و ریاضیات است و بخشی از وقت خود را صرف مطالعه در فلسفه فیزیک و ریاضی می‌کند.

وی همچنین علاقه‌مند به مطالعه و تحقیق در فلسفه دین است و در کالیفرنیا غیر از کنفرانس‌ها و سخنرانی‌های تخصصی در فلسفه تحلیلی، هر از گاهی دربارهٔ فلسفه دین سخنرانی کرده است.



محمود مرورید

محمود مرورید، متولد ۱۳۵۶ در مشهد تحصیلات حوزوی را در سال ۱۳۷۲ در همان شهر شروع کرد و از سال ۱۳۷۶ تحصیلات خود را در قم ادامه داد. او به مدت چند سال در درس‌های خارج اصول، فقه، و فلسفه (نزد آیات و حجج اسلام وحید خراسانی، شبیری زنجانی، غلامرضا فیاضی، صادق لاریجانی، محمدتقی شهیدی و ...) شرکت کرد. مرورید هم‌زمان تحصیلات دانشگاهی را نیز پی گرفت و کارشناسی ارشد را در رشته الهیات (گرایش فلسفه و کلام) از دانشگاه قم دریافت کرد. وی در سال ۱۳۸۴ در نخستین دوره دکتری فلسفه تحلیلی در پژوهشکده فلسفه تحلیلی آی‌پی‌ام پذیرفته شد و در سال ۱۳۹۰ از رساله دکتری خود با عنوان «برون‌گرایی در محتوا و معرفت پیشینی به حالات ذهنی» با راهنمایی دکتر حمید وحید دفاع کرد. پس از آن در همان سال به عنوان پژوهشگر پسادکتری در پژوهشکده فلسفه تحلیلی مشغول کار شد. از محمود



سید نصرالله موسویان

انواع مختلف) گسترش داده‌اند. دیدگاه میل-راسل-کریپکی هر دو تز زیر را می‌پذیرد: اصل میلی (مشارکت معنایی یک نام خاص فقط و فقط مدلول آن است) و اصل راسلی (گزاره بیان شده توسط یک جمله ساده اتمی حاوی یک نام خاص یک گزاره منفرد راسلی است). این دیدگاه با مسائل مختلف (در سطوح گوناگون) روبه‌روست، از جمله مسأله ترم‌های تهی: معناسناختی مفروض‌اند، مثلاً ترم‌های ارجاع خاص بدون مدلول یا محمول‌ها و روابط فاقد هرگونه مابه‌ازاء. موسویان در رساله دکتری خود با در نظر گرفتن راه‌حل‌های میلی-راسلی ارائه شده برای مسأله ترم‌های تهی سعی کرده نشان دهد که در راه حل مقبول باید حداقل یکی از دو اصل میلی یا راسلی کنار گذاشته شود. روش استدلال او کمابیش چنین است: راه‌حل‌های میلی-راسلی را در سه گروه طبقه‌بندی کرده است: روان‌شناختی (psychological)، معناسناختی (semantic)، و کاربردشناختی (pragmatic). عبارات و جملات حاوی نام‌های خاص تهی را در ساده‌ترین شکل ممکن در نظر گرفته است (شکل فاقد ادات و عملگرهای منطقی، وجهی یا معنایی). سپس سعی کرده است نشان دهد که مسائل مربوط به عدم دلالت در این ساده‌ترین رده جملات در رهیافت‌های روان‌شناختی، معناسناختی، و کاربردشناختی تنها با محدود کردن حداقل یکی از دو اصل میلی یا راسلی ممکن است.

موسویان دو مقاله در همین موضوع منتشر کرده است. در مقاله اول به ارتباط مباحث هستی‌شناسانه و معنی‌شناسانه مرتبط با دیدگاه میل-راسل-کریپکی پرداخته و سعی کرده است موفق‌ترین صورت‌بندی از این دیدگاه را (از میان دیدگاه‌های موجود) مشخص کند و استدلال کند که این نظریه به نوعی دیدگاه هستی‌شناسانه ماینونگی (Meinongian) می‌انجامد (دیدگاهی که راسل و راسلی‌ها به دلایل متعدد با آن مخالف‌اند). در مقاله دوم، به بررسی انتقادی راه‌حل کمپلن-سممن-بران برای مسأله نام‌های خاص تهی پرداخته و تلاش کرده که نشان دهد آنچه «نظریه گزاره‌های حفره‌ای» نامیده می‌شود نادرست است و لذا دیدگاه کمپلن-سممن-بران نیازمند بازنگری است.

در فلسفه اسلامی، وی دو مقاله درباره سهروردی نوشته است. ایده اصلی این دو مقاله اجمالاً چنین چیزی است: تفسیر رایج از فلسفه سهروردی که او را ذیل افلاطون‌گرایی (Platonism) قرار می‌دهد نیازمند بازبینی جدی است. نویسنده سعی کرده است نشان دهد که تفسیر سهروردی از «فطریات» و «مثل افلاطونی» علی‌رغم تأکیدی در متن آثار سهروردی و شارحانش با آنچه که در فلسفه افلاطون (یا حداقل تفسیری غالب از آن) می‌یابیم متفاوت است. در مقاله‌ای دیگر، با دفاع از براهین ابن سینا علیه تفسیر افلاطونی از «حدوث نفس»، استدلال کرده است که در این مسأله، بنا بر یک تفسیر سازگار، دیدگاه سهروردی ذیل نظریه ابن سینا قرار می‌گیرد.

سال ۱۳۸۷ از رساله دکتری خود با عنوان «نام‌های تهی و نو-راسل‌گرایی» به راهنمایی برنارد لینسکی و ادم مورتون دفاع کرد. به مدت دو سال به عنوان استادیار (تمام‌وقت) دانشکده فلسفه دانشگاه آلبرتا و استاد مقیم دانشگاه مک ایوان کانادا با این دو مؤسسه همکاری کرد. تا کنون ۴ مقاله از او در مجلات فلسفی انگلیسی‌زبان منتشر یا پذیرفته شده‌اند. وی چندین مقاله داوری شده نیز در کنفرانس‌های بین‌المللی ارائه داده است. موسویان در مهرماه ۱۳۸۹ به ایران بازگشت و از آن زمان تا پایان سال ۱۳۹۱ به عنوان استادیار (تمام‌وقت) در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران (انجمن حکمت و فلسفه) و پژوهشگر مدعو (نیمه‌وقت) در پژوهشکده فلسفه تحلیلی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی مشغول به کار بوده است. در این مدت با دانشگاه‌های صنعتی شریف و تربیت مدرس (به عنوان استاد راهنما و استاد مدعو) همکاری کرده است. وی از ابتدای سال ۱۳۹۲ به عضویت هیئت علمی (تمام وقت) پژوهشکده فلسفه تحلیلی پذیرفته شده است.

موسویان در فلسفه تحلیلی به موضوعاتی از این دست علاقه‌مند است: چیستی و چگونگی دلالت ترم‌های زبانی، ملاک اینهمانی و تفرد اشیاء، تحلیل جهات منطقی (امکان و ضرورت) و منطقی‌های معنایی (intensional logics). رساله دکتری و مقالات منتشر شده او روی موضوع نخست متمرکزند. در رساله دکتری اش سعی کرده است استدلال کند که یکی از دو تز اصلی دیدگاه میل-راسل-کریپکی پذیرفتنی نیست: یا اصل میلی یا اصل راسلی. توضیح زیر شاید روشن‌گر باشد. بنا بر تحلیلی از زبان (فرگه-کارنپ-چرچ) ترم‌های زبانی (از جمله ترم‌های ارجاع خاص مثل نام‌های خاص و نمایه‌ها (indexicals)) و همین‌طور جملات حاوی این ترم‌ها دارای دو نوع مساهمت معناسناختی (semantic contribution) اند: درباره نام‌ها از این دو نوع مشارکت به عنوان محتوی (sense) و مدلول (reference) یاد می‌کنیم. در تحلیل دیگری از زبان (میل-راسل-کریپکی) چنین نیست، یعنی حداقل بعضی از ترم‌های زبانی تنها واجد یک نوع مشارکت معناسناختی‌اند: درباره نام‌ها از این یک نوع مشارکت به عنوان مدلول یاد می‌کنیم (در مورد دیدگاه راسل ملاحظات متعددی مطرح شده است). این نزاع درباره سایر عبارات زبانی (از جمله محمول‌ها) نیز وجود دارد؛ هیلری پاتم و تایر برج دیدگاه میل-راسل-کریپکی را به محمول‌ها (از

تمام تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه صنعتی شریف گذرانده است. مصفا پس از گذراندن دوره کارشناسی مهندسی مکانیک، به فیزیک روی آورد و پایان نامه کارشناسی ارشد خود را در موضوع گرانش نوشت و در سال ۱۳۸۲ از پایان نامه دکتری خود در نظریه ریسمان دفاع کرد. دوره پسادکتری را در پژوهشکده فیزیک پژوهشگاه سپری کرد و چند سال در دانشگاه شریف به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار بود. علائق تحقیقاتی او عمدتاً در زمینه نظریه ریسمان، نظریه میدان‌های کوانتومی، گرانش و به خصوص موضوع هولوگرافی و دوگانگی AdS/CFT است. مقالاتی که تاکنون منتشر کرده در موضوعات ریسمان‌های نیمه کلاسیک، نظریه‌های گرانشی در سه بعد، سیاهچاله‌های غیرآبلی، و آنتروپی درهم‌تنیدگی، و زمینه‌های وابسته بوده است.



امیر اسماعیل مصفا

امیر اسماعیل مصفا در سال ۱۳۹۲ به عضویت هیئت علمی پژوهشکده ذرات و شتابگرها پذیرفته شده است. وی که متولد سال ۱۳۴۸ در تهران است،

کتابخانه باستانی زیر آوار تاریخ؟

به مناسبت آغاز فعالیت شعبه پژوهشکده ریاضیات در اصفهان (که تصویر روی جلد این شماره اخبار هم به سر در آن اختصاص یافته) در جستجوی مطالب کوتاهی درباره جنبه‌ای از تاریخ اصفهان -- و ترجیحاً پیشینه علمی این شهر -- بودیم. دکتر رضا منصوری که در این گونه موارد معمولاً به کمک ما می‌آیند نامه‌ای در اختیار اخبار گذاشتند که آقای احسان مرادی از کارشناسان میراث فرهنگی به ایشان نوشته است و به حفاریات باستان‌شناسی در محلی به نام «تپه اشرف» در کناره شمالی زاینده‌رود مربوط می‌شود. این محل به نظر عده‌ای از باستان‌شناسان همان «سارویه» یا «کهن‌دژ» باستانی است که در دوران پیش از اسلام کتابخانه بزرگی در آنجا قرار داشته است.

وجه تسمیه «تپه اشرف» ظاهراً این است که اشرف افغان در زمان استیلای افغان‌ها در اصفهان کاخی در این محل ساخته بوده که بعد از شکست افغان‌ها به دست مردم ویران شده است. این تپه، به مساحت دوازده هکتار و در مجاورت برج‌های مرفه‌نشین اصفهان، مدت‌هاست که به زباله‌دانی تبدیل شده اما باستان‌شناسان امیدوارند بخشی از تاریخ گمشده اصفهان و تاریخ معماری ایران باستان را در آن بیابند. احسان مرادی خبر از مرحله دوم کاوش‌هایی می‌دهد که از چندی قبل در این محل آغاز شده و به نقل از دکتر جعفری زند سرپرست گروه حفاری به پدیدار شدن لایه‌هایی از دوران ساسانی اشاره می‌کند که احتمالاً دیوارهای دژی عظیم بوده است. این دیوارها از سنگ‌های تراشیده تشکیل شده است. مستندات نویسنده نامه در مورد وجود کتابخانه‌ای باستانی در این محل، نوشته‌هایی متعلق به دوران اسلامی* است که سه مورد از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم.

ابومعشر بلخی: اندر کهندژ جی سپاهان، جایی است به نام سارویه. سارویه به مشرق هم‌چنان است که اهرام الفاتین مصر به مغرب. آن جای را مسلمین برای پیدا کردن گنج کوییدند. هنگامی که سارویه را شکافتند و نیبگ‌ها را برداشتند، آن‌جای نوشته‌هایی پیدا کردند بر روی پوست توز. پاره‌ای به بغداد بردند، بیشترشان چون ناخوانا بودند به حال خود رها شدند و از میان رفتند.

ابوریحان بیرونی: به روزگار ما، اندر کهندژ جی، شهرستان سپاهان، چون پشته‌هایی شکافتند، خانه‌هایی یافتند پر از بس بار پوست درختی که بر کمان و سپر همی بیچیدند و آن پوست توز نامند؛ و بر آن پوست‌ها نوشته‌هایی نگاشته بودند که کس نتوانست گفتن چيستند، و از چه گویند.

ابن ندیم: یکی از اشخاص ثقه به من خبر داد که در سال ۳۵۰ هجری در سارویه جی دالانی خراب گردید که جایش معلوم نشد زیرا از بلند بودن سطح آن گمان می‌کردند که درون آن خالی نبوده و پر است تا زمانی که آن خودبه‌خود فرو ریخت و در آن کتاب‌های زیادی به دست آمد که هیچ کس نمی‌توانست آنها را بخواند و آنچه من با چشم خود دیدم و ابوالفضل عمید آنها را در سال سیصد و چهل و اندی فرستاده بود کتاب‌هایی بودند پاره‌پاره که از باروی اصفهان میان صندوق‌هایی بدست آمده و به زبان یونانی بود. کسانی که آن زبان را می‌دانستند مانند یوحنا و دیگران آن را ترجمه کردند و آشکار شد که نام سر بازان و جیره آنان است و آن کتاب‌ها چنان گندزا بودند که گویی تازه از دباغی درآمده‌اند ولی پس از آنکه یکسال در بغداد ماندند خشک شدند و تغییر کردند و عقوتشان برطرف شد و پاره‌ای از آنها نزد شیخ ابوسلیمان موجود است. گویند سارویه یکی از بناهای محکم باستانی است که ساختمان معجزه‌آسایی دارد و در مشرق چون اهرام مصر در مغرب از نظر عظمت و اعجاب است.

* به نقل از: رکن‌الدین همایون‌فرخ، تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، چاپ ۱۳۵۶، انتشارات جاویدان، تهران.